

Analyzing the Origins of the First Mu‘tazilite Book on the Virtues of Ahl al-Bayt

Seyed Reza Mahdavi*, Morteza Iravany Najafi**

Hassan Naghizadeh***

Abstract

The prophetic hadiths extolling the virtues of the Prophet Muhammad's household, known as Ahl al-Bayt, underwent a tumultuous journey following the Prophet's passing. The issue of succession after the Prophet's demise had a significant impact on the transmission of these hadiths among Sunni scholars, in contrast to Shiite scholars who preserved them. However, as the third Islamic century dawned, hadiths concerning the virtues of Ahl al-Bayt, especially those regarding Imam ‘Ali, previously scattered in Sunni sources, began to be compiled into independent books. This research delves into the origins and context surrounding the composition of the first book on the virtues of Ahl al-Bayt by Mu‘tazilite scholars. Employing an analytic-descriptive approach and drawing from historical and hadith sources, the study investigates why Mu‘tazilite scholars began paying attention to these hadiths and compiling them into standalone works. Several factors spurred this development. These include the relaxation of restrictions on compiling hadiths, the decline and fall of the Umayyad dynasty, the ascendancy of the Abbasid dynasty with its allegiance to "the chosen one from the family of Muhammad" (*al-riḍā min Āl Muḥammad*), al-Ma‘mūn's efforts to promote the superiority of Imam ‘Ali to appease Imam al-Riḍā and his followers, the political and

* Ph.D. Candidate of Quranic and Hadith Sciences, Ferdowsi University, Mashhad, Iran,
s.r.mahdavi20@mail.um.ac.ir

** Professor of Quranic and Hadith Sciences, Ferdowsi University, Mashhad, Iran (Corresponding Author),
iravany@um.ac.ir

*** Professor of Quranic and Hadith Sciences, Ferdowsi University, Mashhad, Iran, naghizadeh@um.ac.ir

Date received: 08/11/2023, Date of acceptance: 21/02/2024



social milieu of Baghdad, and the Mu‘tazilites' interactions with various Shia groups, notably the Zaydis. Lingering tensions from the Umayyad era and biases towards figures like ‘Uthmān also played a role. These multifaceted factors coalesced to prompt the writing of the inaugural book on the virtues of Ahl al-Bayt by Mu‘tazilite scholar Abū Ja‘far al-Iskāfī.

Keywords: virtues, Ahl al-Bayt, the Prophet’s Household, Sunni Muslims, Mu‘tazilites, Baghdad, al-Iskāfī.



واکاوی زمینه‌های نگارش اولین کتب فضائل اهل البیت در آثار معتزله

سید رضا مهدوی*

مرتضی ابروانی نجفی**، حسن نقی زاده***

چکیده

روایات فضائل اهل بیت (ع) بعد از رحلت پیامبر اکرم (ع) دست‌خوش حوادث مختلفی گردید و مسئله جانشینی رسول الله (ع) تأثیر بسزایی در عدم نقل این دسته از روایات را در میان محدثان اهل سنت بر خلاف محدثان شیعه ایفا می‌کرد. اما با این حال با شروع قرن سوم هجری روایات فضائل اهل بیت (ع) خصوصاً امام علی (ع) که قبل از این زمان به صورت جسته و گریخته در برخی از منابع اهل سنت نقل می‌شد به صورت کتاب مستقل به نگارش درآمد. پرسش بنیادین این پژوهش، آن است که مهمترین زمینه‌های نگارش اولین کتب مناقب اهل بیت (ع) توسط معتزله چه بوده است؟ در این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی و پژوهش در منابع تاریخی و حدیثی، منشأ توجه محدثان معتزله به روایات فضائل اهل بیت (ع) و نگارش کتاب مستقل در این موضوع مورد پژوهش قرار گرفت که بررسی زمینه‌های مختلف، بیانگر آن است: برداشته شدن قانون منع تدوین حدیث، ضعف و انحطاط بنی امیه، روی کارآمدن بنی عباس با شعار (الرضا من آل محمد (ع))، پیگیری فضیلت امام علی (ع) توسط مامون برای جلب رضایت امام رضا (ع) و شیعیان، فضای سیاسی-اجتماعی بغداد و ارتباط معتزلیان با شیعیان خصوصاً زیدیان، باقی بودن فضای مسموم بنی امیه و تعصبات عثمانیه، بیشترین تأثیر را در نگارش اولین کتب فضائل اهل بیت (ع) توسط ابوجعفر اسکافی معتزلی ایفا نموده است.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران، s.r.mahdavi20@mail.um.ac.ir

** استاد، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)، iravany@um.ac.ir

*** استاد، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران، naghizadeh@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۲



کلیدواژه‌ها: فضائل، اهل بیت (ع)، اهل سنت، معتزله، بغداد، اسکافی.

۱. مقدمه

پس از رحلت پیامبر اکرم (ع) و ابلاغ قانون منع تدوین حدیث، نقل فضائل اهل بیت (ع) رو به افول نهاد زیرا جانشینی پیامبر اکرم (ع) مهمترین مسئله‌ای بود که تاثیر فراوانی در عدم نقل فضائل اهل بیت (ع) ایفا می‌کرد. با پیدایش فرقه‌ها و گروه‌های مختلف، کار جعل حدیث که در زمان پیامبر (ع) آغاز شده بود نیز شکل گسترده‌تری به خود گرفت و هر گروهی برای رسیدن به اهداف خود سخنی به نبی مکرم اسلام (ص) نسبت دادند که بخش قابل توجهی از آنها مربوط به بالا بردن مقام برخی از شخصیت‌های جامعه اسلامی بود. در این بین جریان‌های سیاسی، بیشترین تاثیر را در این زمینه ایفا کردند که با به قدرت رسیدن معاویه در شام این موضوع به اوج خود رسید. بعد از صلح امام حسن (ع) با معاویه و سلطه کامل وی بر جهان اسلام، سعی بر حذف فضائل اهل بیت (ع) و کوچک شمردن آن نمود. در این راستا معاویه از یک سو چنان بر شیعیان و محبان اهل بیت (ع) سخت می‌گرفت که جرأت بیان فضائل و یا نقل حدیث از آنان نداشته باشند و از سویی دیگر دستور داد برای خلفاء سابق خصوصاً عثمان، با دادن جوایز فراوان به نقل و جعل احادیث پردازند. همچنان که ابن ابی الحدید از مدائنی نقل می‌کند که معاویه دستوری به کارگزارانش نوشت که هرکس فضائلی از ابوتراب و اهل بیتش را نقل کند من از او براءت می‌جویم و سخنرانان بر روی هر منبری لعن علی (ع) می‌کردند و از او و اهل بیتش تبری می‌جستند. و در مقابل دستور داد که فضائل عثمان را نقل کنند و ترویج دهند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۱، ص ۴۴) باید به این نکته مهم اشاره نمود که اساسی‌ترین عامل در پیدایش فرقه‌های مختلف کلامی در عصر امویان، سیاست خصمانه بنی‌امیه نسبت به خاندان رسالت بود که موجب انزوای علمای اهل بیت پیغمبر (ع) گردید و رابطه امت اسلامی با اهل بیت عصمت قطع شد و فقط قلیلی از شیعیان در پنهان، طلب علوم دینی از آن‌ها می‌کردند و از طرفی سؤالات و شبهات دینی روز به روز افزایش می‌یافت و چون در میان امت اسلامی کسی نبود که رأی و نظر او در رابطه با مسائل دینی مقبولیت عمومی داشته باشد، تشّت آراء بالا گرفت و فرقه‌ها به وجود آمدند. (لاهیجی، ۱۳۷۲، ص ۴۵)

با سقوط امویان و مروانیان و ظهور عباسیان که ادعای محبت اهل بیت (ع) را داشتند فرصت مناسبی برای نقل فضائل اهل بیت (ع) ایجاد شد. البته بر اساس فضای مسموم ۹۰ ساله امویان و نهادینه شدن کینه و دشمنی امام علی (ع) و اهل بیت پیامبر (ع) در قلوب برخی از مسلمانان،

واکاوی زمینه‌های نگارش اولین کتب فضائل اهل البیت ... (سید رضا مهدوی و دیگران) ۲۳۹

نحوه برخورد فرقه‌ها و گروه‌های مختلف اهل سنت با روایات فضائل این خاندان متفاوت بوده است.

در این پژوهش، معتزله به عنوان یکی از گروه‌های کلامی اهل سنت، انتخاب شده و تلاش شده نحوه مواجهه آنان با فضائل اهل بیت (ع) و پیشگامی آنان در میان اهل سنت در مناقب نویسی اهل بیت (ع) در دو بخش زمینه‌های سیاسی-اجتماعی و بررسی آثار ابوجعفر اسکافی مورد تحقیق قرار گیرد و پاسخ‌گوی این سوالات است که عبارتند از:

۱. رویکرد دانشمندان معتزله بصره و بغداد در دوره اموی و عباسی در مواجهه با فضائل

اهل بیت (ع) چگونه بود؟

۲. عوامل موثر در نحوه برخورد معتزلیان بغداد با فضائل اهل بیت (ع) چه بوده است؟

۳. ابوجعفر اسکافی چه نقشی در فضائل نویسی اهل بیت (ع) داشته است؟

۲. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های محدودی درباره معتزله و اهل بیت (ع) صورت گرفته است که می‌توان به کتاب الامام علی (ع) فی فکر معتزله بغداد اثر جواد کاظم النصرالله که توسط انتشارات العتبة الحسینیة المقدسة در سال ۱۴۲۷ق انتشار یافته است، اشاره نمود که نویسنده در این اثر، کار خود را محدود به امام علی (ع) و بغداد نموده است و تمرکز بحث او بر کتاب شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید بوده و از آثار اسکافی غفلت کرده است. همچنین وی در کتاب الامام علی (ع) فی فکر معتزلة البصرة که توسط انتشارات دار الفیحاء بصره در تاریخ ۱۴۳۴ق چاپ شده است نحوه برخورد عالمان معتزلی بصره را با امام علی (ع) و مسئله افضلیت خلفا را مورد بررسی قرار داده است.

خانم هما محب عالیان و دیگران در مقاله «نقش ابوجعفر اسکافی (د ۲۴۰ق) در دفاع از حریم علوی» که در شماره ۲۳ پژوهش‌نامه علوی در سال ۱۴۰۰ش انتشار یافته است کوشیده‌اند دیدگاه اسکافی را درباره افضلیت امام علی (ع) در فضای بغداد در قرن سوم هجری مورد بررسی قرار دهد اما به بررسی زمینه‌های شکل‌گیری فضائل نویسی نپرداخته‌اند و همچنین توجه آنان به کتاب المعیار و الموازنه و نقض العثمانیه بوده و درباره کتاب المقامات فی تفضیل امیرالمومنین (ع) و فضائل علی (ع) چیزی نگفته‌اند.

۳. زمینه‌های سیاسی-اجتماعی و فرقه‌ای نگارش اولین کتب فضائل اهل بیت (ع)

ابوجعفر اسکافی معتزلی (د ۲۴۰ق) از پیشگامان فضائل‌نویسی اهل بیت (ع) است که با نگارش چهار اثر مستقل درباره فضائل اهل بیت (ع) سبک جدیدی از نگارش کتب حدیثی را در منابع حدیثی اهل سنت ایجاد نمود. برای فهم درست از چرایی این امر لازم است شرایط سیاسی-اجتماعی و فرقه‌ای که ابوجعفر در آن می‌زیسته است مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

۱.۳ معتزله از شکل‌گیری تا فضائل‌نویسی

یکی از مکاتب کلامی اهل سنت که در اوائل قرن دوم هجری در بصره ظاهر شد و در آراء کلامی با دیگر مذاهب، اختلاف داشت، معتزله است. معتزله به نقل شهرستانی توسط واصل بن عطاء (د ۱۳۱ق) از شاگردان حسن بصری (د ۱۱۰ق) پایه‌گذاری شد. نظریه مشهور او درباره جایگاه مرتکب گناهان کبیره که منزله بین المنزلتین است موجب جدایی و اختلاف با دیگر مذاهب شد. (بغدادی، ۱۹۷۷، ص ۱۵؛ شهرستانی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۱) اما بزرگان معتزله، معنایی ایجابی را برای انتصاب این اسم به خود مطرح نموده‌اند که خارج شدن از شبهات به سوی حق است و روایت (من اعتزل الشر سقط فی الخیر) را بر آن اقامه کردند. (ابن مرتضی، ۱۹۸۷، ص ۲)

معتزله بر اساس یک تقسیم‌بندی تاریخی که ابن مرتضی ارائه می‌دهد به ۱۲ طبقه تقسیم شده است و همچنانکه پیروان هر فرقه‌ای در اسلام می‌کوشند خود را به پیامبر (ع) و صحابیان او برسانند ابن مرتضی در سه طبقه اول اسامی خلفا به ترتیب امام علی (ع)، ابوبکر، عمر، عثمان، نام برخی از صحابه و تابعین مانند ابن عباس، ابن مسعود، ابوذر، امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، محمد بن حنفیه، سعید بن مسیب، طاووس یمانی، نوادگان امام علی (ع) مانند ابوهاشم عبدالله بن محمد بن حنفیه، حسن بن حسن، عبدالله بن حسن، محمد نفس زکیه، زید بن علی و افرادی مانند محمد بن سیرین، حسن بصری و دیگران را آورده است. (ابن مرتضی، ۱۹۸۷، ص ۱۰-۲۴)

اما در طبقه چهارم که معتزله کلامی آغاز می‌شود اسم غیلان بن مسلم دمشقی، واصل بن عطاء مؤسس معتزله کلامی، عمرو بن عبید و دیگران آمده است که با ظهور این افراد معتزله اصطلاحی و حقیقی شکل گرفته است. در طبقه پنجم یاران واصل بن عطاء و عمرو بن عبید مانند عثمان بن خالد طویل، حفص بن سالم، شیب بن شیب و دیگران آمده است. (ابن مرتضی، ۱۹۸۷، ص ۲۵-۴۳)

واکاوی زمینه‌های نگارش اولین کتب فضائل اهل البیت ... (سید رضا مهدوی و دیگران) ۲۴۱

طبقه ششم معتزله، مؤثرترین افراد معتزله را شامل می‌شود که در تعیین و شکل دادن آرای کلامی آن نقش اساس را ایفا کرده‌اند در راس آنها ابو هذیل علاف و شاگرد وی، ابراهیم نظام و بشر بن معتمر مؤسس معتزله بغداد قرار دارند که در این زمان تنوع فکری معتزله با شکل‌گیری دو مدرسه بصره و بغداد آغاز شده است. (ابن مرتضی، ۱۹۸۷، ص ۴۴-۶۱)

و ابوجعفر اسکافی که به عنوان پیشگام مناقب‌نویسی مستقل درباره اهل بیت (ع) در میان اهل سنت معرفی خواهد شد در طبقه هفتم به همراه جاحظ، جعفر بن مبشر، جعفر بن حرب و دیگران قرار دارد. (ابن مرتضی، ۱۹۸۷، ص ۶۲-۷۹) که لازم است دوره واصل تا ابوجعفر اسکافی مورد بررسی قرار گیرد.

معتزله به دو دوره کلامی و غیر کلامی تقسیم می‌شود و همچنانکه گذشت معتزله غیر کلامی سه طبقه اولیه اعتزال را بر اساس کلام معتزلیان را شامل می‌شود و نوعی امتزاج بین بزرگان معتزله و شیعه خصوصاً زیدیه را نشان می‌دهد زیرا امام علی (ع) را به عنوان اولین فرد معتزلی معرفی نموده و بعد از اسامی ابوبکر، عمر و عثمان را آورده اند و در طبقات دوم و سوم نیز اسامی ائمه و فرزندان و نوادگان امام علی (ع) به چشم می‌خورد.

۲.۳ تحلیل ضعف و انحطاط بنی امیه و تأثیر آن در فضائل‌نویسی

معتزله کلامی در زمان بنی امیه و حکومت عبدالملک مروان (۸۶ق) شکل گرفت. اما در آن زمان هنوز طرفداران زیادی نداشت و قدرت نیافته بود فلذا حاکمان اموی که مشغول درگیری‌های داخلی و خارجی بودند موضع آشکاری درباره آن نمی‌گرفتند. واصل بن عطا در سال ۸۰ق در مدینه (ابن ندیم، ۱۹۹۷، ص ۲۰۹) و در دوران بنی امیه به دنیا آمد. در دوران بنی امیه نقل فضائل اهل بیت (ع) و خصوصاً امام علی (ع) به دستور خلفای اموی جرم تلقی می‌شد و ارتباط با اهل بیت پیامبر (ع) هم محدود شده بود اما در زمان حیات واصل با تغییر شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه، دوره‌ای منحصر به فرد ایجاد شد زیرا با تضعیف حکومت اموی و فزونی قدرت بنی عباس که در ابتدا به صورت تبلیغات و مبارزات سیاسی بود و بعد در سال ۱۲۹ق به مرحله مبارزات مسلحانه انجامید؛ فرصتی مناسب برای بیان اندیشه‌های متفاوت را ایجاد نمود و فشار و اختناق که نسبت به اهل بیت (ع) وجود داشت نیز کمی کاسته شد. از این رو ارتباط مسلمانان با اهل بیت (ع) نیز بیشتر شد. دوره زندگی واصل همزمان با سه امام بود (امام سجاد (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع)) که با نزدیک شدن دوران امام صادق (ع) شرایط سیاسی رو به بهبودی می‌رفت. و امکان ارتباط با امام (ع) و

شرکت در درس ایشان نیز بیشتر شده بود. واصل و معتزلیان، ارتباط خوبی با بنی امیه نداشتند زیرا امویان غالباً از عقیده جبر حمایت می‌کردند و با طرفداران آزادی اراده که قدری بودند مخالفت نموده و درگیری داشتند. از این رو معتزلیان که نمی‌خواستند به سرنوشت اسلاف قدری خود دچار شوند روش سازش و ملایمت را برگزیدند. اما بعد از کشته شدن ولید بن یزید، توانستند مانند فرقه‌های مختلف، عقاید خود را بهتر آشکار کنند.

با ضعف بنی امیه، هر گروه و فرقه‌ای با تمسک به فضائل منقول از زمان پیامبر (ع) تلاش می‌کرد چهره‌ای موجه از خود برای رسیدن به حاکمیت ارائه دهد. از این رو تمسک به نقل فضائل فزونی دو چندان یافت. در بلاد اسلامی خصوصاً کوفه که غالب جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دادند این اتفاق نظر وجود داشت که کسی از اهل البیت (ع) باید به حکومت برسد ولی در شناخت اهل البیت، اختلافات فراوانی مشاهده می‌شد. هر یک از مدعیان علوی و طرفداران آنها، نظریات مختلفی را در اثبات خود نشر می‌دادند. گروهی از شیعیان که به امامی اثنی عشری شناخته می‌شوند قائل بودند تنها فرزندان امام علی (ع) از فاطمه زهرا E شایستگی رهبری و امامت را دارند که بعد از امام حسن (ع) برادرش امام حسین (ع) و مابقی ائمه از نسل او را به عنوان امام و رهبر می‌دانستند و تمسک آنها به روایات فراوانی بود که درباره آنها از جانب پیامبر (ع) صادر شده بود. گروه دیگر که داعیه قویتری از خود را به نمایش گذاشتند، مدعی بودند هر یک از نسل امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) چه فرزند امام حسن (ع) و چه امام حسین (ع) شایستگی رهبری را دارند که در این گروه طرفداران زید شهید و فرزندش یحیی و محمدنفس زکیه قرار داشتند. گروه دیگر کیسانیه بودند که عقیده داشتند امام باید از نسل امام علی (ع) باشد حتی اگر از زنان دیگر حضرت باشد آنها محمد بن حنفیه و فرزندش ابوهاشم را به رهبری پذیرفتند. این تمایزات و شناخت سره از ناسره شاید برای عموم مردم، واضح و آشکار نبود و آنها در مقابل نارضایتی از ظلم و اشرافیت بنی امیه از یک سو و محبت به اهل البیت (ع) از سویی دیگر آماده بودند خود را با هر حرکت ضد اموی هماهنگ کنند.

در این دوران پر تلاطم، عبدالله محض در مکه مردم را به بیعت فرزندش محمدنفس زکیه از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) دعوت و او را مهدی موعود معرفی کرد. (ابن طقطقی، ۱۴۱۸، ص ۱۶۲-۱۶۳) برخی از خویشان و شیعیان با او بیعت کردند علاوه بر آنها، واصل بن عطا و عمرو بن عبید از رهبران اولیه اعتزال نیز، این علوی جوان را مناسب‌ترین شخص برای احراز مقام رهبری بعد از زید شهید و فرزندش یحیی قلمداد می‌کردند. (ابوالفرج، ۱۳۸۵، ص ۱۹۶) در صحیحہ عبدالکریم بن عتبہ هاشمی آمده است که خدمت امام صادق (ع) بعد از کشته شدن

ولید در شام بودم که گروهی از معتزله که عمرو بن عبید و واصل بن عطاء در میان آنها بودند بر امام وارد شدند و از حضرت خواستند که به همراه آنها با محمد بن عبدالله بن حسن بیعت کنند تا در مقابل دشمنان مبارزه کنند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۳) همزمان با این شرایط، بنی عباس نیز با داعیه مقابله با ظلم بنی امیه و هاشمی بودن، سر بر آورد. داعیان و مبلغان عباسی در ابتدا، بدون تعیین فردی مشخص، مردم را به دوستی اهل بیت (ع) که سفارش قرآن و روایات بود فرا می خواندند تا بتوانند همه گروه‌های مخالف را زیر پرچم خود درآورند. (الله اکبری، ۱۳۸۱، ص ۱۲۹-۱۳۲) اساسی‌ترین شعار عباسیان، که آن را محور دعوت خود قرار دادند، شعار (الرضا من آل محمد (ع)) بود. آنها با این شعار دوپهلوی توانستند دعوت خود را با دعوت علویان پیوند دهند. (دوری، ۱۳۹۴، ص ۵۰) از این‌رو در ابتدای امر با علوی‌ها خصوصاً طرفداران زید شهید که سردمداران مبارزه با بنی امیه بودند همراهی می‌کردند. اما در ادامه از آنها فاصله گرفته و رهبران و طرفداران آنها را مورد تعقب قرار دادند. بنا به نقل ابوالفرج در میان بیعت کنندگان با محمد نفس زکیه در ابواء، سه برادر عباسی، ابراهیم امام، ابوالعباس سفاح و ابوجعفر منصور به همراه دیگر خاندان عباسی حضور داشتند. (ابوالفرج، ۱۳۸۵، ص ۱۷۳) تا جایی که دو بیعت را برای منصور با محمد بن عبدالله (نفس زکیه) نقل کرده‌اند. (همان، ص ۱۹۷)

نکته دیگری که جای تأمل و بررسی بیشتر دارد رابطه سردمداران معتزله و بنی‌عباس با ابوهاشم فرزند محمد بن حنفیه است. واصل بن عطاء طبق کلام ابن ابی الحدید، شاگرد ابوهاشم است و ابوهاشم شاگرد پدرش و او شاگرد مکتب پدرش علی (ع) بوده است. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۷) در نتیجه معتزله از این مسیر خود را داعیه‌دار مکتب اهل بیت می‌دانستند و از طرفی هم عباسیان مدعی بودند ابوهاشم فرزند محمد بن حنفیه قبل از مرگ خود در منطقه (حمیمه)، محمد بن علی عباسی را به عنوان جانشین خود معرفی کرده و رهبری و امامت کیسانیه را به او سپرده است.

ابوهاشم چه استاد واصل بن عطا باشد یا نباشد و چه ودائع امامت را به عباسیان منتقل کرده باشد یا نه، به علت هاشمی بودن و فرزند امام علی (ع) بودن، گزینه مناسبی برای مشروعیت بخشی و سوء استفاده گروه‌ها و فرقه‌های مختلف بود. حتی اگر این مسئله صحیح نباشد که ابوهاشم داعیه امامت داشته است و کیسانیه را به او مرتبط ندانیم اما استفاده کیسانیه از روایات فضائل اهل بیت (ع) خصوصاً در مسئله مهدویت در شرایط خاص آن دوران که با تضعیف قدرت بنی امیه همراه بود نقش بسزایی در شکل‌دهی فرقه‌ها و حکومت‌های بعدی ایفا نمود.

عباسیان در ابتدا با ادعای جانشینی ابوهاشم، توانستند از محبوبیت و مظلومیت علویان به نفع خود بهره ببرند. زیرا این نکته را درک کرده بودند که از حیث مذهبی و سیاسی در مقایسه با علویان از جایگاه پایین‌تری برخوردارند. استفاده ابزاری از فضائل و مناقب اهل بیت (ع) و منسوب کردن خود به اهل بیت بهترین وسیله برای رسیدن به مقصد آنان بود همچنانکه وقتی در سال ۱۳۲ق در مسجد کوفه مردم با سَفّاح بیعت کردند او در اولین خطبه‌ای که ایراد کرد ابتدا خود را از اهل‌البیت معرفی نموده و آیات تطهیر، مودت، انذار، فیء و خمس را مستند فضیلت و برتری خود دانست و در ادامه به طعن بنی امیه و بنی مروان پرداخت. (طبری، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۸۳)

در نتیجه توجه به روایات فضائل اهل‌بیت (ع) بعد از بنی امیه توسط معتزله و عباسیان، تنها جنبه نقل‌روایی نداشت بلکه موجب مشروعیت بخشی به افرادی را داشت که داعیه حکومت را داشتند و این ریشه در روایاتی متعددی داشت که از پیامبر (ع) نقل شده و جایگاه خلافت را برای اهل‌البیت (ع) می‌دانست که با تعابیر متعدد و در حد تواتر در منابع اهل سنت نقل شده است. روایاتی که بعد از برداشته شدن حکم منع تدوین توسط عمر بن عبدالعزیز و تضعیف بنی امیه، کم‌کم در فضای روایی اهل سنت مورد توجه قرار گرفته و در حال انتشار بود. احادیثی که جانشینی و خلافت بعد از رسول الله (ع) را مطرح نموده و آنان را ۱۲ خلیفه معرفی کرده است (مسند، احمد بن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۲۹)، و دسته‌ای این ۱۲ خلیفه را از قریش معرفی نموده است. (مسلم بن الحجاج، بی تا، ج ۳، ص ۱۴۵۲، طبرانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۳، حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۷۱۶) و دسته سومی این ۱۲ نفر را از بنی‌هاشم معرفی نموده است. (همدانی، ۱۹۹۰، موده دهم، ص ۱۳۲۷، قندوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۹۰) و دسته چهارمی دایره را کوچک‌تر نموده و ۱۲ خلیفه را از اهل بیت رسول الله (ع) معرفی کرده است. (میلانی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۲۱۱-۲۱۲ به نقل از نسخه خطی فردوس الاخبار دیلمی که در چاپ‌های جدید آن این حدیث یافت نشد). نشر چنین اخباری به همراه لزوم مودت به ذوی القربی پیامبر (ع) زمینه نشر فضائل این خاندان را فراهم نمود و زمینه‌ساز این مسئله اساسی شد که آیا امام و خلیفه باید افضل از همه باشد یا خیر؟

۳.۳ تحلیل مسئله امامت و افضلیت و نقش آن در فضائل‌نویسی

افضلیت امام از سائر افراد امت یکی از ویژگی‌های است که مورد اختلاف متکلمان مسلمان قرار گرفت. منشأ این اختلاف به تعیین خلیفه بعد از رسول الله (ع) بر می‌گشت. شیعیان چون

واکاوی زمینه‌های نگارش اولین کتب فضائل اهل البیت ... (سید رضا مهدوی و دیگران) ۲۴۵

امامت را یک منصب الهی می‌دانستند شرائط سختی را برای امامت جامعه مطرح نمودند. امامت از نظر شیعه ادامه نبوت بوده و امام، جانشین پیامبر (ع) در همه امور غیر از دریافت وحی مستقیم است. (فاضل مقداد، ۱۳۸۳، ص ۶۱) امام همانند پیامبر (ع) از گناه و خطا معصوم بوده و رهبر سیاسی و مرجع دینی مسلمانان است او حجت خداست که گفتار و کردارش منبع برای فهم دین است و صلاحیت معصومانه تبیین و تفسیر وحی را دارد. او از جانب خدا منصوب شده و تعیین وی وابسته به رای و نظر مردم نیست. (سید مرتضی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰۵-۲۰۶ و ۲۷۶-۲۷۷) از این رو شیعیان با نقل و انتشار فضائل اهل بیت (ع) تلاش کرده‌اند با یادآوری جایگاه ویژه و منبع آنان به این نکته متذکر شوند که جانشین پیامبر (ع) باید دارای بالاترین کرامت و ثواب نزد خدا و حائز بالاترین صفاتی باشد که شرط امامت ظاهری است. اما اهل سنت با توجه به نبود چنین فضائلی برای خلفاء غیر از امیرالمومنین (ع) به ناچار شأن امام را در حد خلافت سیاسی تنزل داده و برای تعیین شروط خلیفه به تساهل روی آورده‌اند.

اما از آنجا که بر اساس حکم عقل و شرع، مدیریت سیاسی جامعه باید در اختیار افراد عادل، شجاع، پارسا، مدیر و با کفایت قرار گیرد در ابتدای امر بنی امیه تلاش کردند با عدم نقل و انتشار فضائل اهل بیت (ع) از جایگاه آنان بکاهند. در مرحله دوم به عیب تراشی برای اهل بیت (ع) روی آوردند و در مرحله سوم با جعل فضائل برای خلفا و اصحاب پیامبر (ع)، فضائل اهل بیت (ع) را مصادره نموده و یا کوچک جلوه دادند. با این حال اکثر اهل سنت با توجه به شرایط موجود آن زمان قائلند خلیفه و امام امت اسلامی باید از شرایط ویژه و ویژگی‌هایی برخوردار باشد تا بتواند رهبری جامعه را با بیعت عامه مردم یا انتخاب اهل حل و عقد بر عهده گیرد. ویژگی‌هایی مانند قریشی بودن، عدالت، علم به احکام شریعت، آگاهی به سیاست و مملکت داری، شجاعت و آشنایی به فنون جنگی از جمله آنهاست. (بغدادی، ۱۳۴۶، ص ۲۹۱ و باقلانی، ۱۳۴۶، ص ۱۸۱-۱۸۴) اما از برخی از اهل حدیث مثل احمد بن حنبل نقل شده که شایستگی، علم و عدالت را شرط امامت نمی‌دانند همچنانکه غزالی قائل است: اگر امام فاقد علم و عدالت با قهر و غلبه بر سر کار آمده و برکناری وی مستلزم فتنه و فساد غیر قابل تحمل باشد، باید از شرایط امام صرف نظر شود و امامت جاهل فاسق را مشروع دانست. (فراء، ۱۴۱۴، ص ۲۴ و غزالی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۵) که ظاهراً این قول بر اساس واقعیت موجود خلفا و امرای اموی و عباسی اتخاذ شده است تا توجیهی بر فقدان شرایط موجود امامت باشد.

مسئله‌ای که اذهان عمومی را به خود جلب نموده و به قضاوت می‌طلبد استدلال به افضلیتی بود که اهل بیت (ع) و شیعیان بدان احتجاج می‌کردند. همچنان که در خطبه ۱۷۳

نهج‌البلاغه، امام علی (ع) فرموده‌اند: "ای مردم سزاوارترین اشخاص به خلافت کسی است که در اداره آن نیرومندتر و در آگاهی به فرمان خداوند داناتر باشد." (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۳) آیا با وجود شخصی افضل در ایمان، علم، عمل، شجاعت و... می‌توان ریاست و سیاست یک امت را به شخصی که کمترین بهره را از آن دارد سپرد؟ شیعیان با نگارش کتاب‌های متعدد فضائل اهل بیت (ع) و تبیین مبانی کلامی امامت و افضلیت امام علی (ع) و اصرار بر امامت افضل، مخالفان خود را به چاره جویی و عکس‌العمل واداشتند. کتاب الفضائل جابر بن یزید جعفی (۱۲۸هـ)، کتاب الفضائل ابان بن تغلب (۱۴۱هـ)، مناقب امیرالمومنین اعمش (۱۴۸هـ)، کتاب الفضائل ابومنذر (۱۶۲هـ)، جزء فی خطبه‌النبی (ع) فی يوم الغدير خلیل فراهیدی (۱۷۰هـ)، کتاب الفضائل زکّار بن حسن دینوری علوی، کتاب الفضائل زکّار بن یحیی واسطی، المصابیح فی ذکر ما نزل من القرآن فی اهل البيت (ع) اسفرائینی، ما نزل من القرآن فی علی (ع) مجاشعی، کتاب المناقب نصر بن مزاحم (۲۱۲هـ)، ما نزل فی القرآن فی امیرالمومنین (ع) محمد بن اورمه قمی، کتاب المناقب محمد بن اورمه قمی، کتاب المناقب یحیی بن عبدالحمید حماني (۲۲۸هـ) از جمله کتب فضائل و مناقبی هستند که توسط محدثان شیعی، قبل از نگارش اولین کتب مستقل فضائل اهل بیت (ع) محدثان اهل سنت تالیف شده‌اند و به طور حتم و یقین می‌توان اذعان داشت شیعیان اولین گروهی بودند که با طرح بحث و پرسش درباره امامت به تالیف کتاب در این حوزه نیز روی آورده‌اند. همچنان که ابن ندیم می‌گوید: اولین کسی که مسئله امامت را مطرح نمود و کتاب تالیف کرد علی بن اسماعیل بن میثم تمار است و کتاب الامامة و کتاب الاستحقاق از آن اوست و درباره هشام بن حکم می‌نویسد: او اولین شخصی است که مسئله امامت را شکافته و به صورت دقیق مطرح نموده است. (ابن ندیم، ۱۴۱۷، ص ۲۱۷)

اما بحث فضائل اهل بیت (ع) و امامت، نزد اهل سنت در آن زمان به شکل دیگری رغم خورد چنانکه در اکثر موارد مصلحت را در مسکوت گذاشتن فضائل اهل بیت (ع) و بحث از امامت دیده‌اند و مفسران‌شان در تفسیر و شان نزول آیات ولایت، طفره رفته‌اند و محدثان و مورخان اهل سنت احادیث فضائل و امامت را در کتاب‌های خود یا روایت نمی‌کردند یا به صورت محدود نقل می‌کردند اما مسئله کلامی امامت چون رابطه مستقیمی با خلافت داشت مورد بی‌توجهی بیشتری قرار می‌گرفت چنان‌که تفتازانی علت ورود متکلمان اهل سنت را در بحث امامت، تنها برای دفع شبهات مخالفان و اهل بدعت دانسته است و الا نیازی به مطرح کردن این بحث‌ها نبود (تفتازانی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۳۲) اما با ضعف بنی‌امیه و داعیه مدعیان مختلف برای خلافت و جانشینی، مسئله امامت و افضلیت گره بیشتری به هم خورد زیرا

واکاوی زمینه‌های نگارش اولین کتب فضائل اهل البیت ... (سید رضا مهدوی و دیگران) ۲۴۷

مدعیان خلافت، فضائل را دلیل برتری خود معرفی می‌کردند این امر تا آنجا ادامه پیدا کرد که موجب طرح بحث‌های جدی در مورد خلفاء بعد از رسول الله (ع) شد که افضل الناس بعد از رسول الله (ع) کیست؟ و آیا لازم است شخص افضل به عنوان خلیفه انتخاب شود یا خیر؟

۱.۳.۳ اقوال در افضلیت امام

بحث‌های متکلمان پیرامون شرایط امام موجب شکل‌گیری دیدگاه‌های متعددی شد که درباره خلافت و امامت امام علی (ع) خود را نشان می‌داد. ضرورت افضلیت امام، مورد اتفاق شیعیان بود. امام بر اساس ریاست عامه‌ای که دارد باید در همه کمالات نفسانی لازمه امامت، سرآمد باشد. (شیخ طوسی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۹۹؛ محقق حلی، ۱۴۱۴، ص ۲۰۵) اما در میان متکلمان اهل سنت اختلاف دیدگاه وجود داشت. غالب متکلمان اشعری امامت مفضولی را که دارای شرایط امامت باشد با وجود فرد افضل، جائز دانسته‌اند. (ایچی، بی‌تا، ص ۴۱) برخی مانند باقلانی، امامت افضل را به شرط اینکه موجب بروز فتنه نشود ضروری دانسته‌اند. (باقلانی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۲) که جوینی این قول را نظر اکثر اهل سنت دانسته است. (جوینی، ۱۳۶۹، ص ۴۳۰) در میان معتزله این اختلاف در افضلیت امام علی (ع) بر سائر خلفا بیشتر خود را نشان می‌داد. اکثر متکلمان معتزلی، افضلیت امام را از شرایط ضروری امامت ندانسته و در صورت وجود عواملی از قبیل قریشی نبودن افضل، نداشتن برخی از شرایط مانند تدبیر سیاسی، روی آوردن مردم به مفضول، کراهت پذیرش مردم از افضل، امامت او را به مصلحت ندانسته و قائل بودند باید از آن صرف نظر شود. اما در صورت تساوی افراد و نبودن مانع، امامت افضل اولی است. (قاضی عبدالجبار، بی‌تا، ج ۲۰، ص ۲۲۷) اما نظام و جاحظ از بزرگان معتزله و ابوالحسن اشعری مؤسس اشاعره که سابقه اعتزال را داشته است افضلیت امام را، ضروری دانسته‌اند. (بغدادی، ۱۳۴۶، ص ۲۹۳)

بنابر آنچه گذشت دیدگاه معتزله درباره جایگاه امام علی (ع) میان خلفا متفاوت بود. افضل الناس بعد از رسول الله (ع) را غالب بصریون بر اساس ترتیب خلفا می‌دانستند این دیدگاه ریشه در مشروعیت خلافت چهار خلیفه اول داشت. اما قتل عثمان و جنگ‌هایی مثل جمل و صفین، موجب اختلاف در مشروعیت خلافت امام علی (ع) نزد عالمان اهل سنت شده بود. تا جایی که اسم امام علی (ع) را از میان خلفا خارج نموده و اسم معاویه را افزوده بودند. همچنان که اسکافی نقل می‌کند امویان جزوه‌هایی آماده نموده و اسامی خلفا را اینگونه نوشته بودند: ابوبکر، عمر، عثمان، معاویه (اسکافی، ۱۴۰۲ق، ص ۱۹) این امری بود که در دوران خلافت بنی امیه

شکل گرفته، مستندسازی شده و ترویج می‌شد ولی بعد از افول قدرت بنی‌امیه و برداشته شدن حکم منع تدوین حدیث که تبعاً ترویج فضائل اهل بیت (ع) را دربرداشت، افضلیت بر اساس ترتیب خلافت دوباره مطرح شد که این موضوع با عقیده تربیعی که توسط احمد بن حنبل مطرح شده بود تثبیت شد.

قول دیگر معتزله بصره که ریشه در افکار اموی داشت دارای طرفداران اندکی بود. ابوبکر اصم از اساس خلافت امام علی (ع) را صحیح نمی‌دانست و یا مانند جاحظ، کتاب العثمانیه را نوشت و به تنقیص حضرت علی (ع) پرداخت و در فضائل حضرت، تشکیک نمود و یا آن را غیر مهم جلوه داد.

قول دیگر منسوب به واصل بن عطاء مؤسس اعتزال است که بعد از ابوبکر و عمر، امام علی (ع) را افضل می‌دانست و بعد عثمان را. قاضی عبدالجبار می‌نویسد: «واصل بن عطا به افضلیت علی (ع) بر عثمان معتقد بود. بدین جهت وی را به تشیع نسبت داده‌اند، زیرا در زمان وی شیعه به کسی گفته می‌شد که علی (ع) را افضل از عثمان بدانند». (قاضی عبدالجبار، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۱۴) قول به توقف در افضلیت بین امام علی (ع) و ابوبکر و عمر را نیز به واصل نسبت داده‌اند با اینکه قطع در افضلیت حضرت بر عثمان داشته است. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۸) ابن ابی الحدید همین عقیده را برای ابوهدیل علاف نیز نقل می‌کند. (همان) اما خود ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه آورده است وقتی از ابوهدیل علاف درباره جایگاه و منزلت حضرت نزد خداوند پرسیدند جواب داد: به خدا قسم مبارزه امام علی (ع) در روز خندق از اعمال تمام مهاجرین و انصار بالاتر است چه رسد به ابوبکر به تنهایی. (همان، ج ۱۹، ص ۶۰) ابو هاشم جبایی (۳۲۱هـ) قائل بود اگر حدیث طبر صحیح باشد قطع آور است در افضلیت امام علی (ع) اما چون نزد او صحت حدیث اثبات نشده است قائل به توقف بین افضلیت امام و ابوبکر شده است. (قاضی عبدالجبار، بی‌تا، ج ۲۰، ص ۱۱۹-۱۲۰؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۹)

اما معتزله بغداد، قائل به افضلیت امام علی (ع) بر سائر امت از جمله سه خلیفه اول هستند. اولین کسی که مسئله تفضیل را مطرح کرد بشر بن معتمر (۲۱۰هـ) بود که مؤسس معتزله بغداد است و توسط او این امر، بین سائر معتزله بغداد و حتی برخی از معتزله بصره تسری یافته است. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۸۸-۲۸۹) معتزله بغداد با طرح مسئله، عدم ملازمه بین خلافت و افضلیت، امکان بیشتری برای نقل فضائل اهل بیت (ع) پیش‌رو می‌دید زیرا منافاتی وجود نداشت که با وجود شخص افضل، شخص مفضول به عنوان خلیفه انتخاب گردد. در

واکاوی زمینه‌های نگارش اولین کتب فضائل اهل البیت ... (سید رضا مهدوی و دیگران) ۲۴۹

نتیجه افضلیت امام علی (ع) خللی در خلافت خلفاء قبل ایجاد نمی‌کرد که موجب عدم نقل فضائل اهل بیت (ع) شود. همچنان‌که ابن ابی الحدید در خطبه ابتدایی کتاب «شرح نهج البلاغه» خود می‌نگارد: «الحمد لله الذی... و قدم المفضول علی الفضل» (همان، ج ۱، ص ۳) او خدا را به خاطر اینکه مفضول را بر افضل (امیرالمومنین علی (ع)) مقدم داشته است شکر می‌کند و با وجود مصلحتی که در این امر قائل است اشکالی در مقدم داشتن مفضول نمی‌بیند.

بشر بن معتمر به علت حمایت از علویان توسط هارون الرشید سال‌های طولانی زندانی شد (سزگین، ۱۹۹۱م، ج ۴، ص ۶۲) اما او با سرودن شعری در رد روافض و بیزاری جستن از معاویه و عمرو بن عاص موجبات آزادی خود را از زندان هارون فراهم کرد. (ابن مرتضی، ۱۹۸۷، ص ۵۲-۵۳) بشر دشمنی آشکاری با امامیه داشته و کتابی با عنوان «کتاب الاستطاعة علی هشام بن حکم» در رد و مذمت هشام نوشته است، ولی انکار تفکر عثمانی توسط او، نقطه عطفی در تفکر معتزله است.

۴.۳ بررسی اوضاع سیاسی - اجتماعی بغداد در شکل‌گیری افکار معتزله بغداد

با آمدن بشر بن معتمر به بغداد و با قرائت و تبیینی جدید از اعتقادات معتزله، تمایزی آشکار بین معتزله بغداد و معتزله بصره ایجاد شد که لازم می‌آید برای درک اعتقادات اعتزال بغداد و نحوه تعامل آنها با فضائل اهل بیت (ع)، شرایط سیاسی - اجتماعی بغداد و معتزله بغداد مورد بررسی قرار گیرد.

تغییر حکومت از خاندان اموی به عباسی اقتضائاتی را در پی داشت که موجب تغییراتی در حوزه امور سیاسی و اجتماعی گردید که از جمله می‌توان به تغییر مرکز خلافت اشاره نمود. مرکز خلافت امویان در شام قرار داشت منصور برای کنترل بیشتر ممالک اسلامی روستای بغداد را به عنوان مرکز خلافت انتخاب کرد که محل رفت و آمد کاروان‌های تجاری و زیارتی به نقاط مختلف جهان اسلام بود. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۸۷-۸۸) با تکمیل شهر در سال ۱۴۹ق دانشمندان مختلف به این شهر هجرت نمودند. (مودب، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲) دروازه بغداد در محله کرخ و در سمت غربی دجله قرار داشت و محل تردد بازرگانان بود این محله از ابتدا شیعه نشین بود. (حموی، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۴۴۸) که می‌تواند با سفرهای اجباری امام صادق (ع) توسط منصور به بغداد و سپس حضور امام موسی کاظم (ع) و امام جواد (ع) در آن منطقه مرتبط باشد، امامانی که توسط خلفای عباسی به آنجا فراخوانده شدند و در همان جا به شهادت رسیدند. (شیخ مفید، بی‌تا، ج ۲، ۲۰۷) حرم آن حضرت و امام جواد (ع) در منطقه کرخ

بغداد واقع شده است. اما محله‌های اطراف کرخ غالباً سنی بودند و در طول تاریخ منازعات فراوانی بین آنها رخ داده است.

از دیگر از ویژگی‌های بغداد در آن دوران حضور دانشمندان برجسته شیعه است. شخصیت‌های حدیثی مانند عبدالرحمن بن حجاج (م ۱۸۳ به بعد)، یونس بن عبدالرحمن (م ۲۰۸) و ابن ابی عمیر (م ۲۱۸) از اصحاب اجماع و شخصیت‌های کلامی مانند هشام بن حکم (م ۱۷۹) و شاگردانش، که از ابتدای تاسیس بغداد با مهاجرت از کوفه به آن شهر، تاثیر بسزایی را در جریان شیعی بغداد ایفا نمودند. ابو جعفر محمد بن خلیل سکاکی بغدادی متوفی نیمه اول قرن سوم از شاگردان هشام بن حکم، مناظراتی را با ابوجعفر اسکافی داشته است. (اقبال، ۱۳۴۵، ص ۸۱-۸۲) که در کتابی به نام مجالس جمع آوری شده بود. (خیاط، ۱۹۲۵، ص ۱۴۲) این امر نشان دهنده تعاملات گسترده علمی-فرهنگی آن دوره بغداد میان دانشمندان اسلامی است.

نقش نفوذ شیعیان در دستگاه خلافت عباسی خصوصاً در دوره خلافت عباسی اول، در ترویج فرهنگ شیعی نیز بسیار پر رنگ بوده است (مظفر، ۱۳۶۸، ص) که از جمله آنها می‌توان به قاسم بن عروه وزیر منصور (کشی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۲۲)، عبد الله بن سنان خازن منصور، مهدی و هارون عباسی (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۱۴) فضل بن سلیمان کاتب دیوان خراج منصور و مهدی عباسی (همان، ص ۳۰۶) و افراد دیگر که مهمترین آنها علی بن یقطین (م ۱۸۲) از خاندان آل یقطین است نام برد که به عنوان کارگزار عباسی در رفع مشکلات شیعیان تلاش‌های فراوانی نمودند. (امین، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۳۷۱)

۵.۳ معتزله بغداد و تشیع

ریشه‌های اولین پیوند تفکر معتزلی با شیعه را می‌توان در تربیت اقلیمی بشر بن معتمر که در کوفه بوده است جستجو کرد. (صباحی، ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۲۶۱) برخی بشر را در اصل کوفی و برخی بغدادی دانسته‌اند؛ اما قاضی عبدالجبار و ابن المرتضی احتمال داده‌اند وی کوفی بوده و بعد به بغداد آمده است. (قاضی عبد الجبار، ۱۹۷۲، ص ۴۹، ابن المرتضی، ۱۹۸۷، ص ۵۲) که به علت زعامت معتزله بغداد و گرایشات علوی بشر، اعتزال در بغداد رنگ شیعی به خود گرفته است. (صباحی، ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۲۵۹)

بشر در شهری پرورش یافت که اکثر جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دادند. کوفه به نقل مسعودی در سال ۱۵۱ قمری (مسعودی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۲۵۲) یا به نقل طبری و یاقوت حموی،

واکاوی زمینه‌های نگارش اولین کتب فضائل اهل البیت ... (سید رضا مهدوی و دیگران) ۲۵۱

مانند بصره در سال ۱۷ قمری تاسیس شده است. (طبری، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۴۷ و حموی، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۴۹۱) و با حضور امام علی (ع) در سال ۳۶ قمری رنگ شیعی به خود گرفت. شاید از آغاز تاسیس کوفه و بصره، این دو شهر، با هم در تعارض بودند که در جریان جنگ جمل، اهالی دو شهر در مقابل هم ایستادند و این دشمنی و اختلاف شدت بیشتری یافت. حدود ۵ سال امام علی (ع) در کوفه استقرار داشتند که با خواندن خطبه‌ها، آموزه‌های عقلی شیعیان مستحکم شد در نتیجه کوفه از اول علوی و بصره عثمانی بوده است (مقدسی، بی‌تا، ص ۲۹۳) اما تشیع بعد از امام علی (ع)، محدود و در سختی قرار گرفت. در طرف مقابل، اعتزالی که در بصره شکل گرفته بود چون در ابتدا، تعارض چندانی با اموی‌ها و مذهب عثمانی نداشت به سرعت رشد پیدا کرد و با ساخته شدن بغداد، مهاجرت از شهرهای مختلف از جمله کوفه و بصره به آنجا صورت گرفت. شیعیان کوفی و معتزلیان بصری به تبلیغ مذهب خود پرداختند که به سبب داشتن زمینه‌های مشترک عقلانی به تدریج با یکدیگر نزدیک شدند. با شدت یافتن تشیع در بغداد و همنشینی معتزله با شیعه که به همراه طرح مباحث اعتقادی و استدلالات عقلی بود، معتزله بیشتر به سمت شیعه سوق پیدا کرد. پرورش یافتن بشر بن معتمر در شهر کوفه که اکثریت آن را شیعیان تشکیل می‌دادند در مقابل بصره متهم به عثمانی‌گری (متز، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۱۲۰؛ ابن عبد ربه، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۲۷۵) موجب اتهام بشر به شیعه‌گری شد (بلاذری، ۱۹۹۷، ج ۴، ص ۱۵۲۲-۱۵۲۳) تاثیر پذیری وی از شیعه، موجب فهم و تفسیری متفاوت از اصول و مبانی اعتزال سنتی بصره و تشکیل نطفه اصلی معتزله بغداد بود و به تعبیری می‌توان معتزله بغداد را بازتاب و برآیند تاثیر تشیع کوفه به حساب آورد و یا در مفهومی کلی‌تر، اثرپذیری معتزله از شیعه را علت شکل‌گیری مدرسه بغداد دانست. (صبحی، ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۲۶۱ و ۲۶۲) از این رو برخی معتزله بغداد را «متشیعة المعتزلة» یاد کرده‌اند این تشیع به معنای نداشتن گرایش عثمانی و اثبات برتری امام علی (ع) بر دیگران و در واقع یک تسنن معتدل است نه به معنای خاص تشیع. (خیاط، ۱۹۲۵، ص ۹۷-۹۹) اما اهل حدیث و حشویه آنها را از جمله شیعه دانسته و یا فرقه چهارمی از شیعه (زیدیه) می‌دانند (ملطی، ۱۴۱۸، ص ۴۱).

۶.۳ نقش مامون در فضائل‌نویسی معتزلیان

معتزله از سال ۱۹۸ تا ۲۳۳ق یعنی دوران حکومت مامون، معتصم و واثق به دربار عباسی راه یافت که نقش مامون عباسی در نزدیکی معتزله با شیعه حائز اهمیت است. اما با گذشت زمان

روند طرفداری از امام علی (ع) که به علت عوامل سیاسی و اجتماعی توسط خلفای عباسی پیگیری می‌شد تغییر کرد و با روی کار آمدن متوکل در سال ۲۳۲ق تغییر اساسی رخ داد او از طرفی با کنار زدن معتزله، به تقویت اصحاب حدیث پرداخت و از طرفی دشمنی خود را با امام علی (ع) آشکار کرد تا جایی که ذهبی او را بدون هیچ اختلافی از ناصبیان بر شمرده است. (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱۸، ص ۵۵۲)

از این رو تا قبل از رسیدن متوکل به خلافت، معتزله به اوج اقتدار و اعتلای خود رسیده بود زیرا مامون آشنا به فنون بحث و جدل و از دوستان علم کلام بود و با معتزله رابطه خوبی داشت تا جایی که ابوهذیل علاف از بزرگان معتزله را استاد مامون دانسته‌اند (دینوری، ۱۳۸۰، ص ۴۲۳) این خلیفه غالب اوقات خود را با رؤسای معتزله مانند نظام، ابوهذیل علاف، احمد بن ابی داؤد ایادی پدید آورنده ماجرای محنه می‌گذراند و متکلمان را وادار به بحث نموده و از نقاط مختلف مملکت اسلامی به بغداد دعوت می‌کرد. مامون اعتزال و تشیع را در خود جمع نمود و به تشیع به معنای عام آن اعتقاد داشت از این رو امام رضا (ع) را به عنوان ولایت عهدی به طوس فرا خواند و در ظاهر هم شده اعتراف به حق علویان در امر حکومت داشت این اقدام مامون در جمع تشیع و اعتزال را باید نقطه عطف مهمی در قرابت تشیع و اعتزال دانست. (جعفریان، ۱۳۷۲، ۴۰-۴۱) بنابر نقل خواجهی شیوه مامون این گونه بود که با منعقد ساختن مجالس مناظره، مخالفان و منازعان اهل بیت رسالت و معدن نبوت را جمع می‌کرد و با آنان در باب امامت و خلافت بلا فصل امیرالمومنین علی بن ابی طالب (ع) گفتگو می‌کرد و معتقد بود که آن حضرت بعد از پیامبر اکرم (ع)، افضل جمیع خلائق است و غرض وی از عقد مجالس مناظره و تفضیل آن حضرت بر جمیع صحابه آن بود که بدین وسیله به خدمت ابوالحسن علی بن موسی الرضا (ع) تقرب جوید. (خواجهی، ۱۳۷۴، ۳۸-۳۹) مامون در عین حال برای جلب رضایت شیعیان نیز تمهیداتی اندیشیده بود. (هولت، ۱۳۸۷، ص ۱۷۹) وی تحت تأثیر معتزله بغداد، نقل فضایل معاویه را ممنوع کرد و به بسط و گسترش فضایل امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) فرمان داد. (طبری، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۱۸۷-۱۸۸) در واقع مامون با جمع بین اعتزال و تشیع و حمایت بی دریغ از معتزله به عنوان مذهب رسمی و دولتی، انگیزه‌های سیاسی نیز داشته است زیرا معتقد بود که با استقرار یافتن مذهب واحد دولتی از نهضت‌های مردمی کاسته خواهد شد و با رسمیت یافتن معتزله از گسترش مذهب اهل بیت (ع) نیز جلوگیری خواهد شد از این رو نقل فضائل اهل بیت (ع) توسط دانشمندان معتزلی، اشکالی را ایجاد نمی‌کرد زیرا همگام با سیاست‌های حکومت عباسی بود.

واکاوی زمینه‌های نگارش اولین کتب فضائل اهل البیت ... (سید رضا مهدوی و دیگران) ۲۵۳

بشر بن معتمر به عنوان مؤسس معتزله بغداد، تا آنجا مورد توجه دستگاه خلافت قرار گرفت که او را از امضا کنندگان حکم ولایتعهدی امام رضا (ع) دانسته‌اند. (میرسلیم، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۵۴)

نقل فضائل اهل بیت (ع) خصوصاً امام علی (ع) توسط محدثان شیعی و نگارش کتب مستقل در این باب نیز تاثیر بسزایی در نوع نگرش معتزله بغداد به فضائل اهل بیت (ع) داشته است، این امر موجب شد معتزله بغداد به رهبری بشر بن معتمر، قائل به افضلیت امام علی (ع) بر خلفاء و سائر صحابه شوند. شاگرد بشر، ابوموسی صبیح (۲۲۶ق) و دو شاگرد او، جعفر بن مبشر (۲۳۴ق) و جعفر بن حرب (۲۳۶ق) نیز از دیگر قائلان برتری امام علی (ع) بودند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۷) باور بنیادی معتزله بغداد در مسئله تفضیل، یعنی افضل شمردن امام علی (ع) و تفکیک مقوله افضلیت با خلافت، میراثی بود که به ابوجعفر اسکافی رسید.

۴. ابوجعفر اسکافی پیشگام فضائل‌نویسی اهل بیت (ع)

ابو جعفر محمد بن عبدالله اسکافی از بزرگان معتزله بغداد که ابن المرتضی او را از طبقه هفتم معتزله معرفی کرده است. (ابن المرتضی، ۱۹۸۷، ص ۷۸) با اینکه پدرانش از سمرقند بودند، اما به علت زندگی در اسکاف منطقه‌ای از نهروان، حد فاصل بغداد و واسط بدین اسم خوانده شد. (حموی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۸۱) به علت مشکلات مادی پدر و مادرش او را وادار به کاسبی و خیاطی می‌کردند ولی استادش جعفر بن حرب با پرداخت پولی ماهیانه به آنها، او را برای کسب علم با خود برد. (ابن ندیم، ۱۳۸۱، ص ۳۱۱) ابن ندیم از هوش و استعداد بسیار او سخن گفته و چندین کتاب برای اسکافی نقل کرده است.

بیشتر عمر علمی اسکافی در زمان مامون و معتصم عباسی سپری شد که شرایط سیاسی و اجتماعی آن دوران مورد بررسی قرار گرفت. اسکافی و فرزندش نزد معتصم عباسی محترم بودند و هر زمان که سخن می‌گفت همه گوش فرا می‌دادند. (همان) اسکافی سر برآورده از معتزله بغداد است که قائل به افضلیت امام علی (ع) بر سائرین است و تحت تاثیر دیدگاه‌های بشر بن معتمر مؤسس معتزله بغداد است که به معتزله متشیع شناخته می‌شوند.

هفتاد اثر کلامی، شمار نگارش‌هایی است که برای اسکافی نقل شده است. (ابن مرتضی، ۱۹۸۷، ص ۷۸) که چهار عنوان آن درباره فضائل امام علی (ع) است. عدم شناخت صحیح و رویکرد منفی مردم نسبت به جایگاه امام علی (ع) که از فضای مسموم باقیمانده از زمان بنی امیه نشأت می‌گرفت علت اساسی نگارش چنین آثاری از اسکافی است جو منفی‌ای که تا

مدتها بعد نیز در جوامع اسلامی مشهود است. وی درباره آثار بر جای مانده آن دوران می‌نویسد:

گرچه سلاطین و حاکمان اموی نابود شدند، اما عوام و طرفدارانشان امروزه در میان ما آشکار و نمایان هستند و پای بند رفتاریانند که از سلاطین سرکش و گذشتگان متجاوز خود به ارث برده‌اند. از جمله رویکردهای تبهکارانه بنی امیه در این زمینه، آن است که معلمان را در مدرسه‌ها برای آموزش نوباوگان استخدام کردند تا آنها با دشمنی با علی بن ابی طالب (ع) رشد و پرورش دهند و بغض او از سینه‌های بزرگان‌شان بیرون نرود. برای این منظور، منشوری تهیه کردند تا آن را بین خود آموزش دهند و تدوین کنند و پیشوایان آغازینشان ابوبکر و عمر بن خطاب و عثمان بن عفان و معاویه بن ابی سفیان معرفی کردند؛ به طوری که حتی بیشتر عوام آنها، علی بن ابیطالب (ع) و نسب او را نمی‌شناسند و کسی از آنها یاد و نام او را بر زبان جاری نمی‌سازد. (اسکافی، ۱۴۰۲، ص ۱۷)

ابن ابی الحدید درباره اسکافی می‌گوید: گرچه قول به تفضیل در میان اصحاب بغدادی ما شایع است اما ابوجعفر از دیگران در این باب قوی ترسخن می‌گفت و باوری خالص تر داشت (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۳) این شدت موالات او به اهل بیت (ع) خصوصاً امام علی (ع) را می‌توان در آثار مستقلی که در فضائل علی (ع) به نگارش در آورده است ملاحظه نمود و او را می‌توان در کنار احمد بن حنبل از جمله پیشگامان نگارش اولین کتب مستقل فضائل اهل بیت (ع) در میان اهل سنت قلمداد نمود. (البته اسکافی ضمن آنکه با نظر غالب اهل سنت مخالف بوده و قائل به افضلیت امام علی (ع) بر سایر صحابه است، مخالفت صریح خود را با عقاید شیعیان ابراز می‌دارد که ابن ندیم کتاب « کتاب علی هشام » در نقد آراء هشام را به او نسبت داده است (ابن ندیم، ۱۳۸۱، ص ۳۱۲)

۱.۴ تاثیر تفکرات عثمانیه در فضائل نویسی ابوجعفر اسکافی

یکی از عواملی که نقش اساسی را در تمایل به نگارش کتب فضائل اهل بیت (ع) توسط اسکافی را ایفا کرد برخورد منفی و تند فرقه عثمانیه با فضائل اهل بیت (ع) بود. ابن حجر عسقلانی می‌نگارد، عثمانیه افرادی هستند که در محبت عثمان غلو نموده و برای امام علی (ع) نقص قائلند. (عسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۱۶) عثمانیه کسانی بودند که قتل عثمان را بهانه قرار داده و با خلافت امام علی (ع) مخالفت نمودند و زمینه ساز جنگ‌های جمل و صفین شدند که این جریان حب عثمان و بغض و سب امام علی (ع) را در پی داشت. طبری نقل می‌کند:

واکاوی زمینه‌های نگارش اولین کتب فضائل اهل البیت ... (سید رضا مهدوی و دیگران) ۲۵۵

چون که عثمان کشته شد انصار با علی (ع) بیعت کردند مگر تعداد کمی از انصار که از آنها حسان بن ثابت و کعب بن مالک و مسلمة بن مخلد و ابو سعید خدری و محمد ابن مسلمة و نعمان بن بشیر و زید بن ثابت و رافع بن خدیج و فضاله بن عیینة و کعب بن عجره بود که همه اینها عثمانی بوده اند. (طبری، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۵۲).

گروهی که با شعر «یا لثارات عثمان» و «علی دین عثمان» معروف شده و در جنگ جمل و صفین در مقابل امام علی (ع) ایستادند. (مقدسی، ۱۴۰۵، ج ۹، ص ۵) همین شعار در حادثه عاشورا نیز در سپاه دشمن شنیده می‌شد. (طبری، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۳۳۱) هواداری عثمان و بغض و کینه امام علی (ع) باعث شده نه تنها روایات فضائل آن حضرت و فرزندانش مورد کم توجهی قرار گیرد بلکه تا سال‌ها به سب و لعن حضرت پردازند و شعر «و قسم بعثمان علیا سفاهة و عثمان خیر من علی و اطیب» لق لقه زبان‌ها شده بود. (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۹۲، ج ۲، ص ۲۸۲) که دلالت بر برتری عثمان بر حضرت داشت. عثمانیه در برخی شهرها مانند شام و بصره نمود بیشتری داشت، اصمعی (م ۲۱۶ ق) که در دوران اسکافی می زیسته است می‌گوید: «تمام بصره عثمانی هستند و این ماجرا از جنگ جمل شروع شده است که اهل بصره با عایشه، طلحه و زبیر قیام کرده و به دست امام علی (ع) کشته شدند.» (ابن عبد ربه، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۲۷۵) و برخی آن را معلول این امر دانسته‌اند که تعدادی از حاکمان بصره و از جمله حجاج بن یوسف بیش از اندازه دوستدار عثمان و بنی امیه بودند (حمیری، ۱۹۴۸، ص ۲۳۰).

برای درک شرایط خاص عصری که اسکافی در آن می زیسته است از باب تعرف الاشیاء باضدادها می‌توان به دانشمندان و آثار آنها نظر نمود که چگونه تمام تلاش خود را برای دشمنی با اهل بیت (ع) و انکار فضائل آنان، به کار گرفته‌اند.

۲.۴ کتاب نقض العثمانیه

یکی از مهمترین آثار اسکافی که متأسفانه به دست ما نرسیده است کتاب نقض العثمانیه اوست که بخش‌هایی از آن را ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه خود نقل کرده است. وی در این کتاب، کتاب العثمانیه جاحظ از متکلمان معتزلی را مورد نقد قرار می‌دهد.

نگارش کتاب عثمانیه توسط جاحظ به وضوح شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن دوران را نشان می‌دهد. جاحظ در سال ۱۵۰ ق در بصره به دنیا آمد (حموی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۱۰) و تحت تاثیر شرایط آن دوران کتاب عثمانیه را در برتری خلفاء ثلاثه بر امام علی (ع) نوشت او در این کتاب با نقل فضائلی برای ابوبکر، افضل الصحابه را ابوبکر معرفی می‌کند و با

انکار اخبار متواتر و مشهور در فضیلت حضرت علی (ع)، ابوبکر را اولین مسلمان و افقه، اعلم و افضل از حضرت دانسته است. (جاحظ، ۱۴۱۱، ص ۵) شیخ مفید دشمنی اموی‌ها و عثمانی‌ها با فضائل امام علی (ع) را معروف دانسته و آن را معلول حرص و تعصب نسبت به ملوک دانسته است. (شیخ مفید، الجمل، نجف، ص ۳۸) به نظر می‌رسد جاحظ کتاب عثمانیه را در زمان هارون الرشید یا امین نوشته باشد که بعدها در زمان مامون یا معتصم، نقض آن توسط اسکافی نوشته شد.

جاحظ ارتباط ویژه‌ای با دستگاه عباسی داشت و مورد توجه محمد بن عبدالملک زیات، وزیر سه تن از خلفای عباسی (معتصم، واثق، متوکل) بود و به نقل ابن مرتضی چهارصد جریب زمین مرغوب که به جاحظیه معروف است، برای امرار معاش از وزیر معتصم هدیه گرفت. (قاضی عبدالجبار، ۱۹۷۲، ص ۵۹). او در کتاب العثمانیه با نقل فضائل برای خلفا علی‌الخصوص ابوبکر سعی بر کتمان فضائل امام علی (ع) دارد و با نقل برخی از روایات فضائل امام علی (ع) به نقد آنها می‌پردازد. او در مقایسه برخی از فضائل ابوبکر و امام به برتری فضائل ابوبکر حکم می‌دهد و به زعم خود با نقل برخی اشتباهات امام و اعتراف حضرت، به تنقیص جایگاه و منزلت حضرت می‌پردازد. (جاحظ، ۱۴۱۱، ص ۸۹ و ۹۰) و با تشبث به برخی از ضعیف‌ترین ادله شیعیان در برخی از مسائل اختلافی، پاسخ‌هایی به آنها داده و برتری ابوبکر را اثبات می‌کند. (همان، ص ۲۴۲، ۲۳۹)

اسکافی با رد کتاب (العثمانیه) جاحظ که از عنوان آن یعنی (نقض العثمانیه) روشن است با بیان فضائل امام علی (ع) برتری آن حضرت بر خلفاء دیگر را اثبات می‌کند.

۳.۴ کتاب «المقامات فی تفضیل علی (ع)»

ابن ندیم کتابی به نام «المقامات فی تفضیل علی (ع)» را از جمله کتب اسکافی می‌داند. (ابن ندیم، ۱۳۸۱، ص ۳۱۲) و سید رضی در ابتدای نامه ۵۴ امام علی (ع) به طلحه و زبیر می‌نگارد: این نامه را ابوجعفر اسکافی در کتاب المقامات فی مناقب امیرالمومنین (ع) ذکر کرده است. این کتاب دست کم تا قرن هفتم باقی بوده است زیرا ابن ابی الحدید (متوفی ۶۵۵ یا ۶۵۶) هنگام نقل نامه امام علی (ع) به طلحه و زبیر، استنادش به کتاب المقامات اسکافی است و نقل او را ذکر می‌کند و در جایی دیگر حدود ده صفحه، خلاصه‌ای از کتاب التفضیل اسکافی را نقل کرده است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۳-۷۳). سید عبدالعزیز طباطبایی بعد از نقل کلام ابن ابی الحدید درباره کتاب التفضیل می‌نویسد: نمی‌دانم مراد از کتاب «التفضیل» کتاب المقامات

واکاوی زمینه‌های نگارش اولین کتب فضائل اهل البیت ... (سید رضا مهدوی و دیگران) ۲۵۷

است یا المعیار و الموازنه؟ یا اینکه کتاب سومی برای اسکافی است در تفضیل امام علی (ع). (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۵۲۳) که احتمال قوی می‌رود کتاب «التفضیل» مورد استفاده ابن ابی الحدید نام دیگر المقامات فی تفضیل علی (ع) باشد که مثل بسیاری از کتب دیگر به اختصار از آن به «التفضیل» یاد کرده است. ذهبی نیز بعد از تعریف اسکافی، برای او کتابی به نام «تفضیل علی» نام برده است (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۱۰، ص ۵۵۱).

این کتاب مثل بسیاری از کتب دیگر به دست ما نرسیده ولی برخی از دانشمندان به آن دسترسی داشته و به آن ارجاع داده‌اند که عبارتند از:

قاضی نعمان مغربی در کتاب شرح الاخبار: ج ۲ ص ۱۴۴-۲۲۶

سید رضی در کتاب نهج البلاغه: کتاب ۵۴

قاضی عبدالجبار در کتاب المغنی: ج ۲۰، القسم الثانی، ص ۶۵، ۸۰

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۶۳-۷۳، ج ۱۷، ص ۱۳۱

کتابی به عنوان «المقامات فی فضائل امیرالمومنین (ع)» از اسکافی با تحقیق دکتور غلامحسن محرمی به چاپ رسیده است.

۴.۴ کتاب «فضائل علی (ع)»

ابن ندیم غیر از کتاب «المقامات فی تفضیل علی (ع)» کتاب دیگری به نام «فضائل علی (ع)» را از مکتوبات اسکافی درباره فضائل امام علی (ع) بر شمرده است. (ابن ندیم، ۱۳۸۱، ص ۳۱۲) و از آنجایی که ابن ندیم کتاب المعیار و الموازنه را از آن فرزند اسکافی می‌داند باید این دو کتاب غیر از المعیار و الموازنه باشند. اما اطلاعات بیشتری از این کتاب در دسترس نیست.

۵.۴ کتاب «المعیار و الموازنه»

از جمله منابع حدیثی-کلامی که در ابتدای قرن سوم نگارش شده است کتاب «المعیار و الموازنه» است که منبع مهمی در اثبات برتری امام علی (ع) بعد از پیامبر اکرم (ع) بر همگان است. المعیار و الموازنه کتابی است که با نقل روایات معتبر در فضیلت امام علی (ع) دیدگاه معتزله بغداد در تفضیل را به وضوح روشن می‌سازد و از آنجا که بخشی از کتاب به خطبه‌ها و نامه‌های حضرت اشاره دارد و حدوداً ۱۷۰ سال قبل از وفات سید رضی مولف نهج البلاغه به نگارش درآمده است جایگاهی ویژه به خود بخشیده است. در مجموع می‌توان کتاب را به

چهار بخش تقسیم نمود: الف) ارجحیت قول به تفضیل امام علی (ع) بر دیگران بر اساس روایاتی از بزرگان صحابه، ب) بیان اصناف مخالف امام علی (ع)، ج) نقل احادیث فضائل امیرالمومنین (ع) و نقد و رد کردن فضائل منسوب به خلفاء، د) خطبه‌ها و نامه‌های امام علی (ع). نویسنده در این کتاب تلاش نموده با نقل روایات معتبر فضائل امام علی (ع) و نقد روایات فضائل خلفا به صورت مستدل و تحلیلی، همچنان که از عنوان کتاب روشن است، معیاری صحیح بر پایه نقل و عقل در انتخاب روایات فضائل ارائه دهد و در موازنه روایات، قائل به افضلیت امام علی (ع) بر دیگران شود. این کتاب در واقع موضوع مهمی که در اواخر سده‌های دوم و سوم، محدثان و متکلمان اهل سنت را به خود مشغول می‌داشته است را مطرح نمود که آن موازنه فضائل صحابه و ملاک تشخیص افضلیت در میان صحابه و معیار درست تشخیص اندازه ثواب در اعمال است. اسکافی در زمانی می‌زیست که غالب محدثان اهل سنت، فضیلت را بر اساس ترتیب خلفا می‌دانستند همچنان که وقتی از یحیی بن سعید قطان (م ۱۹۸ق) از بزرگان اهل حدیث بصره و معاصر اسکافی درباره دیدگاه ائمه حدیث در فضیلت خلفا سوال می‌شود می‌گوید: «کسی را ندیدم که در تفضیل ابوبکر و عمر بر علی (ع) شک کند» (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۴۷۳) کتاب «المعیار و الموازنه فی فضائل الامام امیرالمومنین علی بن ابی طالب (ع) و بیان افضلیته علی جمیع العالمین بعد الانبیاء و المرسلین» با تصحیح محمدباقر محمودی به چاپ رسیده است.

۵. نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل گزارش‌های موجود از معتزلیان چند نکته اصلی را به دست می‌دهد:

۱. گرچه معتزله به دو مدرسه معتزله بصره و بغداد تقسیم می‌شود و برخلاف معتزله بصره، معتزله بغداد قائل به افضلیت امام علی (ع) هستند اما ضعف بنی امیه و سر کار آمدن بنی عباس، موجب کاسته شدن فشار سیاسی-اجتماعی بر اهل بیت (ع) شد و بررسی تاریخ بزرگانی از معتزله بصره مانند واصل، عمرو بن عبید نشان از رابطه آنها با امام صادق (ع) و بزرگان زیدیه داشته و نشان دهنده تاثیر منقولات از فضائل اهل بیت (ع) در میان آنان است که زمینه نگارش اولین کتب مستقل مناقب اهل بیت (ع) را توسط اسکافی فراهم نموده است.
۲. مسئله افضلیت امام بر دیگران مسئله بود که مورد توجه معتزله عقل‌گرا قرار گرفت و معتزله بغداد با رهبری بشر بن معتمر بر خلاف اسلاف خود قائل به برتری امام علی (ع) بر سایر خلفا شدند و ریشه اصلی کلام آنان، روایات فراوانی بود که از پیامبر اکرم (ع) منقول بود

واکاوی زمینه‌های نگارش اولین کتب فضائل اهل البیت ... (سید رضا مهدوی و دیگران) ۲۵۹

آنان با قول عدم ملازمه بین افضلیت و امامت مانعی را در نقل حداکثری در فضائل اهل بیت (ع) نمی‌دیدند.

۴. نقش مامون در بیان افضلیت امام علی (ع) با برگزاری جلسات مناظره، برای تقرب به امام رضا (ع) و تمهیداتی که برای جلب رضایت شیعیان اندیشیده بود و از طرفی بین اعتزال و شیعه جمع کرده بود بیشترین تاثیر را در توجه معتزلیان به احادیث فضائل اهل بیت (ع) ایفا می‌کرد.

۵. فضای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شهر بغداد و ارتباط معتزله بغداد با شیعیان که ید طولایی در نگارش کتب مستقل فضائل اهل بیت (ع) داشتند تاثیر بسزایی در گفتمان حدیثی اهل سنت داشته است.

۶. عثمانیه و تعصبات آنان در انکار فضائل اهل بیت (ع) که در آثار افرادی مثل جاحظ بروز می‌کرد توجه برخی از محدثان اهل سنت که دنبال یافتن حقیقت بودند را به احادیث فضائل اهل بیت (ع) جلب نمود و منجر به دفاع از جایگاه اهل بیت (ع) و نگارش کتاب مستقل در این زمینه شد.

۷. ابوجعفر اسکافی (د ۲۴۰ق) در فضای معتزله بغداد و تحت تاثیر بزرگان آن رشد و نمو پیدا کرده بود در مواجهه با جو مسموم جامعه اهل سنت که از دوران بنی امیه به ارث برده بودند با نگارش چهار کتاب مستقل در فضائل اهل بیت (ع) در کنار احمد بن حنبل (د ۲۴۱ق) پیشگام نگارش اولین کتب مناقب اهل بیت (ع) در میان محدثان اهل سنت است که توانست گونه جدیدی از کتب حدیثی را در بین محدثان اهل سنت خلق کند.

کتاب‌نامه

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغة، قم: مکتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی العامة.

ابن حزم، أبو محمد علی بن أحمد (بی‌تا)، الفصل فی الملل والأهواء والنحل، القاهرة: مکتبة الخانجی.

ابن شهر آشوب (۱۳۷۹)، مناقب آل أبي طالب، محقق/مصحح: آشتیانی، محمدحسین و رسولی، هاشم، قم: علامه.

ابن طقطقی، محمد بن علی (۱۴۱۸)، الفخری فی الآداب السلطانية والدول الإسلامية، محقق: عبد القادر محمد مایو، بیروت: دار القلم العربی.

ابن عبد ربّه، احمد بن محمد (۱۴۰۴)، العقد الفريد، تحقیق: محمد تونجی، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۲۶۰ پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

ابن مغازلی، علی بن محمد (۱۴۲۷)، مناقب أهل البيت (ع)، محقق: محمودی، محمدکاظم، تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الإسلامية.

ابن مرتضی، احمد بن یحیی (۱۹۸۷)، طبقات المعتزلة، بیروت.

ابن مرتضی، احمد بن یحیی (۱۹۸۷)، المنیة و الملل فی شرح الملل و النحل، محقق: محمد جواد مشکور، بی‌جا: موسسه الكتاب الثقافیة.

ابن ندیم، أبو الفرج محمد بن إسحاق (۱۹۹۷)، الفهرست، چاپ دوم، بیروت: دار المعرفة.

ابن ندیم، أبو الفرج محمد بن إسحاق (۱۳۸۱)، الفهرست، مترجم: تجدد، محمدرضا، تهران: اساطیر.

احمد بن حنبل (۱۴۱۶)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، محقق: أحمد محمد شاکر، چاپ اول، قاهره: دار الحديث.

اسکافی، محمد بن عبدالله (۱۴۰۲)، المعیار و الموازنة فی فضائل الإمام أمير المؤمنين علی بن أبی طالب صلوات الله علیه و بیان أفضلیته علی جمیع العالمین بعد الأنبياء و المرسلین، مصحح: محمودی، محمدباقر، بی‌نا، بی‌جا.

اصفهانى، ابوالفرج (۱۳۸۵)، مقاتل الطالبین، چاپ دوم، قم: المكتبة الحیدریه.

اقبال، عباس (۱۳۴۵)، خاندان نوبختی، طهران: طهوری.

الله اکبری، محمد (۱۳۸۱)، عباسیان از بعثت تا خلافت، قم: دفتر انتشارات تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

امین، محسن (۱۴۰۳)، اعیان الشیعه، محقق: حسن امین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

ایجی، قاضی عبدالرحمن بن احمد (بی‌تا)، المواقف فی علم الکلام، بیروت: عالم الكتب.

باقلائی، ابوبکر محمد بن الطیب (۱۳۶۶)، التمهید فی الرد علی الملاحدة المعطلة و الرافضة و الخوارج و المعتزلة، قاهره: دار الفكر العربی.

بغدادی، عبدالقاهر (۱۳۴۶)، اصول الدین، استانبول: دارالفنون.

بغدادی، عبدالقاهر (۱۹۷۷)، الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجیة، چاپ دوم، بیروت: دار الآفاق الجديدة.

بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۹۷)، انساب الاشراف، تحقیق: محمود الفردوس العظم، دمشق: دار البقطة العربیه.

تستری، شیخ محمدتقی (۱۳۷۲)، الاوائل، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).

تفتازانی، سعد الدین (۱۴۰۹)، شرح المقاصد، قم: الشریف الرضی.

جاحظ، عمرو بن بحر (۱۴۱۱)، العثمانیه، محقق: عبدالسلام هارون، بیروت: دار الجیل.

جعفریان، رسول (۱۳۷۲)، مناسبات فرهنگی معتزله و شیعه تا آغاز دوره انحلال معتزله در شیعه، چاپ اول، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

جوینی، ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله (۱۳۶۹)، الارشاد الی قواطع الادله فی أول الاعتقاد، محقق: محمد یوسف موسی، مصر: مكتبة الخانجی.

واکاوی زمینه‌های نگارش اولین کتب فضائل اهل البيت ... (سید رضا مهدوی و دیگران) ۲۶۱

حاکم نیشابوری (۱۴۱۱)، *المستدرک علی الصحیحین*، محقق: مصطفی عبد القادر عطا، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة.

حر عاملی، محمد بن حسن (بی‌تا)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.

حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی) (۱۴۱۴)، *المسلك فی أصول الدین*، مشهد: آستان قدس رضوی.

حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۹۹)، *معجم البلدان*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۴۱۴)، *معجم الادباء*، محقق: إحسان عباس، بیروت: دار الغرب الإسلامی.

حمیری، نشوان بن سعید (۱۹۴۸)، *حورالعین*، محقق: کمال مصطفی، قاهره، مکتبه الخانجی.

خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷)، *تاریخ بغداد*، محقق: مصطفی عبد القادر عطار، بیروت: دار الکتب العلمیة.

خواجوی، اسماعیل بن محمدحسین (۱۳۷۴)، *ترجمة المناظرة المامونية با دو رساله در اصول دین*، محقق: رجایی، سید مهدی، چاپ اول، قم.

خیاط، عبدالرحیم بن محمد (۱۹۲۵)، *الانتصار و الرد علی ابن الراوندی الماحد*، محقق: نیبرج، قاهره: دارالکتب المصریة.

خیون، رشید (۱۹۹۷)، *معتزلة البصرة و البغداد*، چاپ اول، لندن: دارالحکمة.

میرسلیم، سید مصطفی (۱۳۷۵)، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.

دوری، عبدالعزیز (۱۳۹۴)، *پژوهشی در تاریخ سیاسی، اداری و مالی عصر عباسی اول*، مترجم: رمضان رضایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

دینوری، ابن قتیبه، *امامت و سیاست (تاریخ خلفاء)* (۱۳۸۰)، مترجم: سید ناصر طباطبایی، تهران: انتشارات ققنوس.

ذهبی، شمس الدین محمد بن أحمد (۱۴۱۳)، *تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام*، بیروت: دار الکتب العربی.

ذهبی، شمس الدین محمد بن أحمد (۱۴۰۵)، *سیر أعلام النبلاء*، محقق: جمعی از محققان با اشراف شعیب الأرنؤوط، چاپ سوم، بیروت: مؤسسه الرساله.

سامی النشار، علی (۱۹۷۷)، *نشأة الفكر الفلسفی الاسلام*، چاپ هفتم، قاهره: نشر دارالمعارف.

سزگین، فواد (۱۹۹۱)، *تاریخ التراث العربی*، مترجم: محمود فهمی، بی‌جا: ادارة الثقافة و النشر فی الجامعة.

سیدمرتضی، علم الهدی علی بن حسین موسوی (۱۴۰۷)، *الشافی فی الامامة*، محقق: سیدعبدالزهره حسینی خطیب، تهران: مؤسسه الصادق.

شهرستانی، محمد بن عبد الکریم (۱۳۶۴)، *الملل و النحل*، چاپ سوم، قم: الشریف الرضی.

۲۶۲ پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (بی‌تا)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مترجم: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: اسلامیة.

صبحی، احمد محمود (۱۹۸۵)، فی علم الکلام، چاپ پنجم، بیروت: دار النهضة العربية.

طباطبائی، سید عبدالعزیز (۱۴۱۷)، اهل البيت فی المكتبة العربية، قم: موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.

طبرانی، سلیمان بن أحمد (بی‌تا)، المعجم الکبیر، محقق: حمدی بن عبد المجید، چاپ دوم، قاهره: مکتبه ابن تیمیة.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۳)، تاریخ الامم و الرسل و الملوك، محقق: جمعی از نخبگان علما، چاپ اول، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (شیخ طوسی) (۱۳۹۴)، تلخیص الشافی، قم: دارالکتب الاسلامیه.

عسقلانی، احمد بن علی بن حجر (۱۹۹۲)، الاصابة فی تمییز الصحابة، محقق: علی محمد بجاوی، چاپ اول، بیروت: دارالجليل.

عسقلانی، احمد بن علی بن حجر (۱۳۷۹)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، محقق: محب الدین الخطیب، بیروت: دار المعرفة.

علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۹۶۱)، رجال العلامة، چاپ دوم، نجف اشرف: دار الذخائر.

غزالی، ابوحامد محمد بن محمد (بی‌تا)، احیاء علوم الدین، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فاضل مقداد، ابوعبدالله مقداد بن عبدالله سیوری (۱۳۸۳)، شرح باب الحادی عشر مصحح و مترجم: حلبی، علی اصغر، تهران: انتشارات اساطیر.

فراء، ابویعلی محمد بن حسین (۱۴۱۴)، احکام السلطانية، بیروت: دارالفکر.

قاضی عبد الجبار (بی‌تا)، المغنی فی ابواب التوحید و العادل، الامامة، محقق: محمود محمد قاسم، بی‌جا، بی‌جا.

قاضی عبد الجبار (۱۹۷۲)، المنیة و الأمل، اسکندریة: دار المطبوعات الجامعية.

قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۲۲)، ینایع المودة لدو القری، قم: اسوه.

کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹)، رجال الکشی، محقق: طوسی، محمدحسن و مصطفوی، حسن، مشه: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.

لاهیجی، ملّا عبدالرزاق فیاض (۱۳۷۲)، گوهر مراد، محقق: زین العابدین قربانی، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

متز، آدام (۱۳۸۷)، الحضارة الاسلامیة فی القرن الرابع الهجری، چاپ چهارم، بیروت: دار الکتب العربی.

واکاوی زمینه‌های نگارش اولین کتب فضائل اهل البيت ... (سید رضا مهدوی و دیگران) ۲۶۳

مراد، سعید (۱۹۹۲)، *مدرسة البصرة الاعتزالية*، القاهرة: مكتبة النجلو المصرية.

مسعودی، علی بن الحسین (۱۴۲۵)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، بیروت: المكتبة العصرية.

مسلم بن الحجاج (بی تا)، *صحیح مسلم*، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مظفر، محمدحسین (۱۳۶۸)، *تاریخ شیعه*، مترجم: سید محمدباقر مجتبی، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

مقدسی، عبدالله بن احمد بن قدامه (۱۴۰۵)، *المغنی فی فقه الامام احمد بن حنبل الشیبانی*، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.

مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (بی تا)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، بی جا.

ملطی، عبدالرحمن (۱۴۱۸)، *التنبیه و الرد علی اهل البدع*، القاهرة: مكتبة الازهرية للتراث.

مودب، سید رضا (۱۳۸۸)، *تاریخ الحديث*، قم: انتشارات مرکز المصطفی العالمی للترجمة و النشر.

میلانی، سید علی (۱۴۰۶)، *خلاصة عقبات الانوار فی امامة الائمة الاطهار*، قم: موسسه بعثت.

نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵)، *رجال نجاشی*، محقق: شبیری، سید موسی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

ولوی، علی محمد (۱۳۶۷)، *تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی*، تهران: موسسه انتشارات بعثت.

همدانی، سید علی شهاب الدین (۱۹۹۰)، *مودة القری، هلند: المركز الوثائقی لثراث اهل البيت (ع)*.

هولت، پیتر مالکوم، ان.ک.س. لمبتون، برنارد لوئیس (۱۳۸۷)، *تاریخ اسلام کمبریج*، مترجم: تیمور قادری، چاپ اول، تهران: انتشارات مهتاب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی